

■ **امر به معروف و نهی از منکر** یک نسخه دینی برای گره بی تفاوتی اجتماعی نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و در دوره کنونی مساله رعایت پروتکل‌های بهداشتی است. ما در مقوله امر به معروف و نهی از منکر کم‌کاری کرده‌ایم، هم‌نسبت به تعریف آن و هم نسبت به پیاده‌سازی آن. متأسفانه یک تقلیل‌گرایی در این فریضه الهی رخ داده که به برخی مصادیق خاص محدود شده است

سیدامین علی دوست، نوزدهم مهرماه، علیرضا رتئسی، معاون وزیر بهداشت در گفت‌وگوی ویژه خبری اعلام کرد میزان رعایت پروتکل‌های بهداشتی از سوی مردم به عدد فاجعه‌بار ۴۲ درصد رسیده است، این یعنی بیش از نیمی از مردم پروتکل‌های بهداشتی را که مستقیماً با جان خودشان

و دیگران در ارتباط است رعایت نمی‌کنند؛ پدیده‌ای که نیازمند واکاوی و تحلیل جامعه‌شناختی است که چرا «حفظ جان» که از مهم‌ترین ارزش‌های انسانی و اخلاقی است، در این حد از سسوی بخش قابل توجهی از مردم مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد؟ برای پاسخ به این پرسش سراغ حجت‌الاسلام دکتر سیدمحمدحسین هاشمیان، عضو هیأت علمی پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام و مدیر گروه مدیریت راهبردی فرهنگی این پژوهشکده رفتیم. حجت‌الاسلام دکتر هاشمیان در گفت‌وگو با «وطن امروز»، در ۲ سطح فردی و ساختاری به تحلیل پدیده بی‌اعتنایی اجتماعی به رعایت پروتکل‌های بهداشتی پرداخت. وی در بخش دیگری از گفت‌وگو به تبیین نقش محوری استفاده از ظرفیت‌های دینی، ویژه‌ عنصر امر به معروف و نهی از منکر در ایجاد حرکت اجتماعی برای افزایش سطح رعایت پروتکل‌های بهداشتی پرداخت.

~~*

سیدامین علی دوست: نوزدهم مهرماه، علیرضا رتئسی، معاون وزیر بهداشت در گفت‌وگوی ویژه خبری اعلام کرد میزان رعایت پروتکل‌های بهداشتی از سوی مردم به عدد فاجعه‌بار ۴۲ درصد رسیده است، این یعنی بیش از نیمی از مردم پروتکل‌های بهداشتی را که مستقیماً با جان خودشان

و دیگران در ارتباط است رعایت نمی‌کنند؛ پدیده‌ای که نیازمند واکاوی و تحلیل جامعه‌شناختی است که چرا «حفظ جان» که از مهم‌ترین ارزش‌های انسانی و اخلاقی است، در این حد از سسوی بخش قابل توجهی از مردم مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد؟ برای پاسخ به این پرسش سراغ حجت‌الاسلام دکتر سیدمحمدحسین هاشمیان، عضو هیأت علمی پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام و مدیر گروه مدیریت راهبردی فرهنگی این پژوهشکده رفتیم. حجت‌الاسلام دکتر هاشمیان در گفت‌وگو با «وطن امروز»، در ۲ سطح فردی و ساختاری به تحلیل پدیده بی‌اعتنایی اجتماعی به رعایت پروتکل‌های بهداشتی پرداخت. وی در بخش دیگری از گفت‌وگو به تبیین نقش محوری استفاده از ظرفیت‌های دینی، ویژه‌ عنصر امر به معروف و نهی از منکر در ایجاد حرکت اجتماعی برای افزایش سطح رعایت پروتکل‌های بهداشتی پرداخت.

~~*

■ **آقای دکتر!** ما در جریان مدیریت بحران کرونا، علاوه بر ضعف‌های اجرایی با یک بحران اجتماعی هم مواجه هستیم؛ بحران بی‌اعتنایی تقریباً نیمی از مردم جامعه به رعایت پروتکل‌های بهداشتی. سوال من از شما به عنوان یک جامعه‌شناس این است که می‌خواهم بدانم چه اتفاقی برای جامعه ما افتاده که رعایت قوانینی که با جان دیگران در ارتباط است، برای تقریباً نیمی از مردم بی‌اهمیت تلقی می‌شود؟ جامعه‌ای که در فرهنگ خود موضوع حق‌الناس را دارد، چه شده که به موضوعی با این حد از اهمیت، تا این سطح بی‌اعتنا شده است؟

برای توضیح این امر باید ابتدا مقدمه‌ای را عرض کنم. ما در جامعه‌شناسی مفهومی داریم به نام «بی‌تفاوتی اجتماعی». این یعنی بخشی از مردم متعلق به یک اجتماع نسبت به برخی نهم‌ها و ارزش‌های آن جامعه، به حالتی می‌رسند که ما نام آن را «بی‌تفاوتی» می‌گذاریم. برای تحلیل اینکه چرا مردم بخشی از اجتماع به این وضعیت «بی‌تفاوتی اجتماعی» می‌رسند، باید در ۲ سطح با ۲ لایه دست به تحلیل بزئیم؛ یکی در سطح عوامل و متغیرهای فردی و دیگری عوامل و متغیرهای ساختاری. متغیر فردی آن دسته از متغیرهایی است که در حوزه اراده فرد است و متغیر ساختاری آن دسته از متغیرهایی است که خارج از اراده فرد است. بر اساس این مقدمه کوتاه سراغ پاسخ پرسش شما می‌رویم.

ببینیدا ما با چند عنصر یا متغیر فردی و ساختاری مواجهیم که مستقیم یا غیرمستقیم در مساله بی‌تفاوتی به رعایت پروتکل‌های بهداشتی به عنوان یک ارزش و هنجار اجتماعی تاثیر دارند. مهم‌ترین این متغیرها، متغیر «میزان» مسؤولیت‌پذیری» آحاد جامعه است که یک متغیر فردی است. در واقع در فرآیند جامعه‌پذیری، حقوق و تکالیف شهروندی در فرد نهادینه نمی‌شود. این فرآیند جامعه‌پذیری از سلسله‌حلقه‌هایی تشکیل شده است که از خانواده آغاز، با مدرسه و نظام آموزشی، نظام تربیت دینی و فرهنگی و رسانه‌ها تکمیل شده و ادامه پیدا می‌کند.

فردی که خود را مسؤول حفظ جان دیگران نمی‌داند، در این متغیر مسؤولیت‌پذیری دچار اشکال است که همین هم نشان می‌دهد بخشی از فرآیند جامعه‌پذیری، دچار اختلال است. من قبل از ادامه بحث موضوعی را داخل پرانتز عرض کنم. ببینیدا ما در حال زندگی در یک جامعه دینی هستیم؛ یک جامعه اسلامی. ما با توجه به فرهنگ دینی‌مان نیازیم به وام گرفتن از گفتمان حقوق شهروندی نداریم. یعنی اینطور نیست که وقتی بخواهیم در کسی جامعه‌پذیری و احساس مسؤولیت ایجاد کنیم، مجبور باشیم یک گفتمان حقوق شهروندی را به عنوان مبنای ارزشی و هنجاری در نظر بگیریم و سپس سعی کنیم این مجموعه ارزشی را در فرد نهادینه کنیم. ما در منظومه فکری و فرهنگی دین خودمان مستغنی از گفتمان حقوق شهروندی هستیم. این دین خودمان استغنی از کسی مکلف است که از جان خود حفاظت کند، چراکه همین فرصت زندگی خودش از نعمات بزرگ الهی است و ثابیا هرکسی مکلف است که در حفظ جان دیگران بکوشد. این آیه قرآن است که اگر کسی یکی نفر را بکشد گویی همه انسان‌ها را کشته و اگر یک نفر را زنده کند گویی همه انسان‌ها را زنده کرده‌است. شما در همین جریان کرونا دیدید که برخی مراجع فتوا دادند اگر کسی به خاطر بی‌مبالاتی در رعایت مسائل بهداشتی موجب بیمار شدن و مرگ دیگران

شود، قتل غیرعمد محسوب شده و شامل پرداخت دیه می‌شود. این ظرفیت‌های بزرگ دینی در جامعه ما است که می‌تواند نقش محرک را برای مردم ایفا کند و مردم را به سمت رعایت مسائل بهداشتی سوق دهد. خب! وقتی یک شخص، عمل به ارزش‌های دینی و الهی در درون او نهادینه نشده است و تا پیش از این خود را مقید به رعایت حدود الهی نمی‌دانسته، طبیعتاً به اینجا هم که می‌رسد همان رویه قبل را طی می‌کند. نه فقط بحث ارزش‌های الهی، بلکه همان ارزش‌های هنجاری و اخلاقی هم که باید در مجموعه خانواده، مدرسه و رسانه فرآیند انتقالش طی شود هم از همین قاعده پیروی می‌کند. خروجی همه اینها این است که در سطح فردی، با بخشی از مردم یک جامعه طرف باشیم که احساس مسؤولیت‌پذیری در آنها برترنگ نیست. بعد از تبیین متغیر فردی، نوبت به تبیین متغیر ساختاری می‌رسد. نظر من این است که در جریان بی‌تفاوتی اجتماعی بخش جدی‌ای از مردم کشور ما، نقش متغیرات ساختاری بیش از نقش متغیرات فردی است.

اولین متغیر ساختاری، یعنی متغیری که خارج از اراده افراد است، متغیر «اقتصاد» است. این شاید مهم‌ترین متغیر باشد. با وجود شرایط فعلی اقتصادی، کرونا هم بار مضاعفی را به جامعه تحمیل کرده و آسیب‌های فراوانی به خیلی از کسب‌وکارها زده است. بسیاری از افراد می‌بینند اگر بخواهند پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کنند، به کسب‌وکار آنها لطمه خورده و به معیشت آنها آسیب می‌زند می‌شود. شما از یک دستفروشی که باید مدام

در تجمعات بچرخد تا کالایش را بفروشد شروع کنید تا کارمندی که مجبور است از وسایل شلوع حمل‌ونقل عمومی استفاده کند، چرا که وسیله شخصی ندارد و استفاده از تاکسی‌های اینترنتی هم برای او مقرون به صرفه نخواهد بود. به هرحال باید بپذیریم که بخش قابل توجهی از مردم جامعه ما حتی در تهیه مصرف ماهانه ماسک و وسایل ضدعفونی‌کننده که هزینه‌بر است هم دچار مشکل هستند؛ این از متغیر اقتصادی.

اما یکی دیگر از متغیرهای ساختاری که بسیار هم حائز اهمیت است، متغیر سیاسی است. ببینیدا ما در شرایطی به سر می‌بریم که اعتماد عمومی به دولت از دست رفته است. سرمایه اجتماعی دولت به عنوان کارگزار حاکمیت شدت کاهش یافته است، همین هم باعث می‌شود مردم هر چیزی را که از سمت دولت اعلام می‌شود با دیده تردید و شک نگاه کنند و اعتماد نکنند؛ از موضوع آمارهای اعلام شده بگیرید تا ابلاغ دستورالعمل‌ها و پروتکل‌ها. تصمیم‌های خلق‌الساعه و متناقض و متضاد باعث شده دولت مرجعیت خود را در مدیریت کرونا از دست بدهد. مردم دیگر با دولت همراهی ندارند و همین هم کار را مشکل‌تر کرده‌است. از بحث بی‌اعتمادی مردم به دولت که بگذریم درباره خود سیاست‌ها و تدابیر ابلاغ‌شده دولت هم اشکال‌های جدی وجود دارد؛ و باید نقش ویژه خود را ایفا کنند.

در این بین نقش ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر، نقش ویژه و قابل توجهی است؛ نهادی که چند سالی است با حضور آیت‌الله کاظم صدیقی، امیدها را برای احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر زنده کرده است. با این

بسته‌های سیاسی دولت تک‌بعدی است و تنها به رعایت مسائل بهداشتی توجه شده که این یک نقص است. ما وقتی برای زندگی در شرایط کرونا می‌خواهیم پروتکل به بسته سیاستی طراحی کنیم، باید متوجه باشیم که با انسان طرف هستیم، انسان یعنی موجودی با ابعاد و نیازهای گوناگون. وقتی می‌خواهیم برای انسان برنامه بریزیم باید همه ابعاد بهداشتی و زیستی، اقتصادی و معیشتی، روانی، معنوی و اجتماعی را در نظر بگیریم. در بسته‌های سیاستی دولت، مقوله نشاط اجتماعی نادیده گرفته شده است. ما نمی‌توانیم یک موجود ذاتاً اجتماعی را برای یک مدت طولانی ایزوله کنیم، واضح است روان انسان نمی‌تواند برای مدت طولانی این وضع را تحمل کند. بسته‌های سیاستی ما باید همه این نیازها را به رسمیت بشناسد و بتواند در چارچوب رعایت پروتکل‌های بهداشتی، راه‌های امن و ایمن برآورده کردن این نیازها را برای جامعه روشن کند. این‌ نگاه تک‌بعدی در خیلی از سیاست‌های ما حاکم است که یکی از همین سیاست‌ها، بحث‌های مربوط به جمعیت بوده است. ما در ابتدا با یک نگاه تک‌بعدی و فقط با در نظر گرفتن متغیرهای اقتصادی، خانواده‌ها را دعوت به داشتن فرزند کمتر کردیم. این مسیر که جلو رفت دیدیم با مشکلات مهم‌تری مواجه شدیم، جامعه به سمت پیروی حرکت کرده و ابعاد مشکلات وسیع‌تر شده است. این نگاه تک‌بعدی در عرصه سیاست‌گذاری خود کنار گذاشته شود. هرگاه ما در بسته‌های سیاسی خود عوامل گوناگون از جمله نیاز به نشاط اجتماعی را مدنظر قرار دادیم و این نیاز را در درست هدایت و مدیریت کردیم، مسلماً درصد بی‌اعتنایی به پروتکل‌ها کاهش خواهد یافت.

من به یکی از متغیر دیگر به عنوان آخرین متغیر ساختاری اشاره می‌کنم و آن هم فرهنگ مدرنیته و تربیت شدن یک نسل شدت فردگرا و رفاه‌طلب در جامعه ما است. بحث‌های اجتماعی‌ای که اندیشمندانی مانند «امیل دورکیم» و «کارل مارکس» درباره مدرنیته اظهار داشته‌اند، این موضوع را بخوبی نمایان می‌کند که مدرنیته اساساً در ذات خود فردگراست به طوری که فرد، سرنوشت خود را جدای از سرنوشت دیگران می‌داند و خوشبختی خود را جدا از خوشبختی دیگران تعقیب می‌کند. این وضعیت به ازهم‌گسختگی اجتماعی منجر خواهد شد. شاید مدرنیته بتواند در سایه قوانین سخت، یک نظم اجتماعی به وجود بیاورد اما ما این نظم اجتماعی را یکپارچگی اجتماعی نمی‌نامیم، بلکه یک جفت و بست شدن مکانیکی افراد جامعه به هم است اما یک انسجام مبتنی بر تکلیف‌مندی اجتماعی و همدردی و مواسات نیست. به همین دلیل است که اساساً مدرنیته با موضوعاتی مانند مواسات و امر به معروف و نهی از منکر مخالف است، چون فردگرایی نهادینه‌شده در فرهنگ مدرنیته اساساً در تضاد با اینگونه مفاهیم است. شما دیدید که در ماه‌های گذشته نظرات عجیبی در برخی کشورهای غربی بر گزار شد که موجب تعجب هر بیننده‌ای می‌شد. جمع زیادی از مردم با تجمع در خیابان‌ها به دولت‌های‌شان اعتراض کردند که به چه حقی ما را وادار به رعایت پروتکل‌های بهداشتی و مثلاً



زند ماسک می‌کنید؟ این اجبارها آزادی فردی ما را سلب می‌کنند. ببینیدا فردگرایی تا کجا ریشه دوانده که علیه اجباری شدن ماسک برای جلوگیری از ابتلا به کرونا یا مبتلا کردن دیگری که ممکن است به مرگ او بینجامد، تظاهرات می‌کنند! این از عناصر کلیدی فرهنگ مدرنیته است؟

■ **و این فرهنگ به جامعه ما هم رسوخ کرده است؟**
باید اعتراف کنیم بله! ما در بخشی از جامعه با نسلی مواجهیم که طبق همین فرهنگ تربیت شده و راحت‌طلبی و لذت‌گرایی خودش را در رأس همه ارزش‌ها و هنجارها قرار داده است و به چیز دیگری توجهی نمی‌کند.

■ **بر همین اساس، می‌توانیم بگوییم عمل نکردن به فرایض دینی ناشی از همین فرهنگ رفاه‌طلبی مدرنیته است، نه ضعف در تبلیغ دینی؟**

بله! همین‌طور است. درست است بخشی از دین‌گریزی جوانان به خاطر ضعف در عملکرد مسا و ضعف در تبلیغ و بیان ما از معارف دینی است اما به هر حال بخشی از دین‌گریزی نسل جوان ما ناشی از فرهنگ فردگرا، رفاه‌طلب و لذت‌جوی مدرنیته است؛ فرهنگی که «هیج «یادی» را بر نمی‌تابد، مسؤولیتی را نمی‌پذیرد، می‌خواهد نماز صبح باشد یا رعایت پروتکل‌های بهداشتی. البته در همین‌ موضوع هم باید اعتراف کرد که خانواده، آموزش‌وپرورش و رسانه هم بی‌تقصیر نیستند و به خودی خود فضا را برای غلبه این فرهنگ مهیا کرده‌اند. ■ **جناب دکتر، بعد از تحلیل متغیرهای فردی و ساختاری پدیده بی تفاوتی اجتماعی به رعایت پروتکل‌های بهداشتی، می‌خواهم بازگشتی داشته**

باشم به مطالبی که در ابتدای مصاحبه بیان کردید؛ اینکه گفتید آموزه‌های دینی ما ظرفیت عظیمی دارد که می‌تواند به شکل یک محرک اجتماعی در مسیر سوق دادن جامعه به رعایت پروتکل‌های بهداشتی به جریان بیفتد. در بین همه عناصر منظومه فکری دینی، ما مفهومی داریم به نام امر به معروف و نهی از منکر. معروف و منکر همچنان که علماً در تعریف آن گفته‌اند، فراتر از بحث واجب و حرام است و در آن یک جنبه اجتماعی هم دیده می‌شود. هر عقل سلیمی اعتراف می‌کند که امروز رعایت پروتکل‌های بهداشتی یک معروف و رعایت نکردن آن یک منکر است. خواستیم از این زاویه ورودی به بحث داشته باشید؛ اینکه نسبت به ستاد علمی و فرهنگی ما چه موفقی است؟ آیا تلاشی داشته‌اید این نکاتی را که در مصاحبه بیان کردید به گوش دولت برسانید و به گونه‌ای خلساً ثنویک دولت در بحث تدوین تدابیر و سیاست‌های مواجهه با اپیدمی کرونا را بر کنید؟ من معتقد می‌باشم ستاد علمی و فرهنگی ما هیچ‌گونه مشکل در اجرایی شدن است. در این مدت به اندازه کافی مراکز پژوهشی و دانشگاهی در حوزه مواجهه دولت با اپیدمی کرونا کار کرده‌اند، تولید اندیشه و راهکار کرده‌اند، مشکل این است که این راهکارها جمع نمی‌شود، توجه نمی‌شود و در نهایت اجرایی نمی‌شود. اگر نه در همین پژوهشکده باقرالعلوم وبنابارها و کارهای علمی خوبی در این زمینه انجام شد اما متأسفانه عزم جدی برای اجرایی کردن راهکارها و پیشنهادات علمی اساتید و پژوهشگران وجود ندارد.

بله! کاملاً موافقم. امر به معروف و نهی از منکر یک نسخه دینی برای گره بی تفاوتی اجتماعی نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و در دوره کنونی مساله رعایت پروتکل‌های بهداشتی است. ما در مقوله امر به معروف و نهی از منکر کم‌کاری کرده‌ایم، هم نسبت به تعریف آن و هم نسبت به پیاده‌سازی آن. متأسفانه یک تقلیل‌گرایی در این فریضه الهی رخ داده که به برخی مصادیق خاص

ضرورت تحول در ستاد احیای امر به معروف



حال به نظر می‌رسد با توجه به موضوع کرونا احیای این ستاد و جایک‌سازی مدیریتی آن باید در دستور کار قرار گیرد. حضور یک روحانی اخلاق‌مدار همانند آیت‌الله صدیقی در راس این ستاد قطعاً باید با همراهی نیروهای متعهد، متخصص

~~*

حجت‌الاسلام دکتر سیدمحمدحسین هاشمیان، عضو هیأت علمی پژوهشکده باقرالعلوم^(ع) در گفت‌وگو با «وطن امروز» مطرح کرد

نهیضت امر به معروف برای رعایت پروتکل‌های کرونایی

محدود شده است. این تقلیل‌گرایی به صورتی شده است که عبارت امر به معروف و نهی از منکر، بلافاصله تبادر ذهنی را به سمت و سوی چند مصداق خاص ایجاد می‌کند و مصادیق مهم‌تر و فوری‌تر در زمان کنونی بعیدالذهن شده است.

در مبانی دینی ما، امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای است که سایر فرایض دینی بر اساس آن اقامه می‌شود. اگر ما در فرهنگ غرب و در مدرنیته با مفهومی با عنوان مسؤولیت‌پذیری و گفتمان حقوق شهروندی مواجهیم، در جامعه اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر مواجهیم. اساس نظام اجتماعی در اسلام بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر شکل می‌گیرد.

ایسن را هم باید اضافه کنم و بر آن تاکید ویژه داشته باشیم که پایه امر به معروف و نهی از منکر هم بر مبنای محبت و دوستی و علاقه‌مندی به خیر و سعادت جمعی شکل می‌گیرد، نه تعارض و خشونت. قرآن می‌گوید مومنین «اولیای»ی هم هستند، یعنی دوست هم هستند و احساس محبت به هم می‌کنند. این احساس محبت است که گرایش به زندگی بهتر داشتن دیگری را در انسان ایجاد می‌کند و انسان را به آنجا می‌کشاند که نسبت به سرنوشت دیگری احساس مسؤولیت کند. این نکته مهمی است که ما به آن توجه نمی‌کنیم. امر به معروف یعنی من آنقدر تو را دوست دارم که نمی‌توانم گمراهی تو را ببینم، نمی‌توانم سسقوط تو را ببینم، می‌خواهم خوشبختی تو را ببینم، این پایه و اساس امر به معروف و نهی از منکر است.

اگر ما این فرهنگ امر به معروف را در جامعه پیاده کنیم، این فرهنگ دغدغه‌مندی به سرنوشت دیگری از سر دوستی و محبت، بسیاری از گره‌های سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی ما گشوده خواهد شد.

جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، یعنی زنده است، پویاست، در مسیر تعالی است، بنابراین فرهنگ‌سازی امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین مسائلی است که باید در دستور کار نهادهای مسؤول در این زمینه قرار گیرد. منتها در امر فرهنگ‌سازی باید به این نکته دقت کرد که فرهنگ‌سازی باید بر مدار محبت باشد نه خشونت، و بر مدار مصادیق گوناگون و متنوع و مهم اجتماعی باشد نه تقلیل‌یافته به چند مصداق محدود. مواجهه ما با مفهوم امر به معروف و نهی از منکر تاکنون یک مواجهه هوشمندانه و خردمندانه‌ای نبوده است و این روند باید به طور جدی تغییر کند.

بخشی از امر به معروف و نهی از منکر مسلماً بحث تذکر لسانی است؛ اینکه شخص رعایت یک معروف را به شخص دیگری تذکر بدهد، امر کند. اینجا حوزه‌ای است که بشدت باید مراقب بود و ظرافت‌های آن باید آموزش داده شود. به عبارت دیگر، بخش مهمی از فرهنگ‌سازی در مقوله امر به معروف و نهی از منکر، فرهنگ‌سازی نحوه مواجهه افراد در زمان عمل به این فریضه الهی است؛ ظرافتی که اگر رعایت نشود تاثیر عمل به این فریضه را معکوس خواهد کرد. نکته دیگری که باید روی آن کار کرد، بحث تبادر معنایی است، یعنی وقتی می‌گوییم امر به معروف، چه چیزی به ذهن مخاطب می‌آید؟ به این می‌گویند تبادر معنایی. اکنون تبادر معنایی امر به معروف و نهی از منکر محدود شده به چند مصداق خاص، این تبادر معنایی هم باید تغییر کند و دایره معروف و منکر گسترده‌تر شود.

تذکره آخری که عهده‌مندی در بحث اشاره کنم این است که باید متوجه باشیم مخاطب امر به معروف فقط مردم نیستند، بلکه ساختارهای حاکمیتی هم هستند. اینکه بخواهیم همه کاسه‌کوزه‌ها را سر مردم بشکنیم، کار درستی نیست. باید این وجه حاکمیتی امر به معروف هم لحاظ شود.

■ **آقای دکتر!** با عنوان سؤال آخر می‌خواستم بپرسم شما و دوستان‌تان در دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام به عنوان یک نهاد علمی و تحقیقاتی، آیا تلاشی داشته‌اید این نکاتی را که در مصاحبه بیان کردید به گوش دولت برسانید و به گونه‌ای خلساً ثنویک دولت در بحث تدوین تدابیر و سیاست‌های مواجهه با اپیدمی کرونا را بر کنید؟ من معتقد می‌باشم ستاد علمی و فرهنگی ما هیچ‌گونه مشکل در اجرایی شدن است. در این مدت به اندازه کافی مراکز پژوهشی و دانشگاهی در حوزه مواجهه دولت با اپیدمی کرونا کار کرده‌اند، تولید اندیشه و راهکار کرده‌اند، مشکل این است که این راهکارها جمع نمی‌شود، توجه نمی‌شود و در نهایت اجرایی نمی‌شود. اگر نه در همین پژوهشکده باقرالعلوم وبنابارها و کارهای علمی خوبی در این زمینه انجام شد اما متأسفانه عزم جدی برای اجرایی کردن راهکارها و پیشنهادات علمی اساتید و پژوهشگران وجود ندارد.

فرهنگ جا افتاد، یعنی زمینه فرهنگی احیای امر به معروف در جامعه ایجاد شده است و خود این امر باعث می‌شود در آینده مصادیق دیگر امر به معروف هم براحتی توسط جامعه پذیرفته شود.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در ادامه، رسانه‌ها را نیز بازوی دیگری برای احیای امر به معروف و نهی از منکر در حوزه رعایت پروتکل‌های بهداشتی دانست و گفت: پیشنهاد من این است رسانه‌ها تجربه زیستی بیماران کرونایی را به تصویر بکشند. در جامعه ما پیش‌فرض‌های غلطی درباره کرونا شکل گرفته است که رسانه‌ها باید این پیش‌فرض‌ها را بشکنند. اینکه کرونا اهمیتی ندارد، هر کس مبتلا شود ۲ هفته‌ای خوب می‌شود، ماسک زدن تاثیری ندارد و پیش‌فرض‌هایی از این دست باید توسط رسانه‌ها به چالش کشیده شود.